



رویکرد اسطوره‌شناسی در روایت عصای موسی براساس متون ادبی و آثار نگارگری**

زهرا موسوی کاهانی^۱ ID، محمد فاضلی^۲ ID، محمود مهدوی دامغانی^۳ ID

^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، zahramosavikahani@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران، fazelimohammad2021@gmail.com

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، mahmmoodmahdavi15@gmail.com

چکیده

داستان حضرت موسی در قرآن از پر دامنه‌ترین روایات است و عصای وی قابلیت آن را داشته است تا یکی از نمادهای اسطوره‌های شود. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی، رویکرد اسطوره‌مدارانه عصای موسی را در تفاسیر مهم فارسی تا قرن ششم، بررسی و با متن قرآن و کتاب مقدس مقایسه می‌کند. باتوجه به این امر که جنبه اساطیری عصای موسی در تفاسیر اولیه، مورد تأیید مفسران اسلامی نیست، بنابراین جا دارد که این قصه‌ها که جزو جدایی‌ناپذیر فرهنگ و ادبیات ماست، با نگاهی نو عرضه شود. نتیجه پژوهش به این باور ختم می‌شود که اساطیر دینی با هدف بیان احکام و آرمان‌های اخلاقی، عرفانی و اجتماعی حاکم بر زمانه خود، در قالب داستان‌واره‌ها، بر تفسیر آیات قرآن افزوده شده‌اند؛ شاخ و برگ‌هایی که به هر کدام از ماجراهای عصای موسی داده شده است، مفاهیمی برای تبیین معرفتی دین، به خواننده ارائه می‌دهد. این روایات به تبع ادبیات در نگارگری اسلامی نیز نمود واضحی داشته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی روایات مربوط به عصای حضرت موسی در متون ادبی و اساطیر دینی.
۲. بررسی روایات مربوط به عصای موسی در آثار نگارگری.

سؤالات پژوهش:

۱. روایات مربوط به عصای حضرت موسی در متون ادبی و اساطیر دینی چگونه منعکس شده است؟
۲. روایات مربوط به عصای موسی در آثار نگارگری چگونه بازتاب یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۱

صفحه ۸۵۳ الی ۸۷۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

عصای موسی، اسطوره‌های دینی، قرآن، کتاب مقدس، تفاسیر فارسی.

ارجاع به این مقاله

موسوی کاهانی، زهرا، فاضلی، محمد، & مهدوی دامغانی، محمود. (۱۴۰۲). رویکرد اسطوره‌شناسی در روایت عصای موسی بر اساس متون ادبی و آثار نگارگری. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۸۵۳-۸۷۰.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

*****/



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۲.۳۴۳۷۸۵.۱۹۲۲

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "زهرا موسوی کاهانی" با عنوان "بررسی اسطوره‌های بنیادی در تفاسیر فارسی" است که به راهنمایی دکتر "محمد فاضلی" و مشاوره دکتر محمود مهدوی دامغانی در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "مشهد" ارائه شده است.

مقدمه

متون تفسیری فارسی آکنده از ملحقاتی هستند که با اسطوره در آمیخته‌اند. با وجود آنکه عقل از قبول آن سرباز می‌زند، اما از آنجاکه کنشگران آن، پیامبران و اولیاء خدا هستند و افعالی که از آنان سر می‌زند با معجزه و کرامت مرتبط است، این داستان‌ها، اسطوره‌وار شکلی حقیقی به خود گرفته‌اند. روایاتی که از کنش و واکنش عصای حضرت موسی در تفاسیر به چشم می‌خورد، از این شیء، تصویری انسان‌گونه با توانایی‌های یک ابرمرد، القاء می‌کند. پرسش اینجاست که آیا این تصاویر از عصای موسی، برگرفته از روایات قرآن یا تورات است؟ اگر نیست، به چه منظور ساخته شده است و چرا مفسران قرآن این داستان‌ها را در کتب تفسیری گنجانده‌اند؟ در این جستار کوتاه برآنیم، هدف سازندگان این اساطیر را بررسی و آن را با کارکرد تبیان و معرفت دینی تحلیل کنیم، تا از لطمه خوردن به اساس تاریخی این واقعیت‌ها جلوگیری شود. به این منظور به خاستگاه، شکل حضور، کارکرد و برخی مفاهیم رمزی و نمادین عصای موسی در تفاسیر فارسی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش حاکی از این است که آثاری به بررسی روایت حضرت موسی در آثار ادبی پرداخته‌اند. مقاله «قصص قرآن در ادب فارسی» (۱۳۶۲)، اثر رضا انزایی‌نژاد، در مجله زبان و ادب فارسی، از تأثیر داستان‌های حضرت موسی در قرآن، بر ادب فارسی با ذکر شاهد مثال سخن می‌گوید. مقاله دیگری با عنوان «کاوشی نو پیرامون پاسخ به شبهه تناقض‌گویی قرآن درباره عصای حضرت موسی» (۱۳۸۷)، از علی کریمی خوشحال، پرده از گفتار به ظاهر، ضدونقیض تبدیل عصا به «جان»، «حیه» و «ثعبان» برمی‌دارد. مقاله «بررسی کهن‌الگوها در ماجرای زندگی حضرت موسی با نگاهی به روایت میبیدی» از الناز محمدی و نجمه نظری (۱۳۸۹)، از فصلنامه ادب و عرفان، به تطبیق کهن‌نمونه‌هایی چون: سپردن فرزند به آب، تقدس درخت و آتش، گذر از آب و نیز حیوانات قربانی، در زندگی حضرت موسی دست می‌زند اما حرفی از عصای موسی در این میان نیست. مرادی زنجانی (۱۳۹۲) در مقاله «رویکرد ذوقی و عرفانی به عصای حضرت موسی» در مجله عرفان اسلامی، با نقل آیات (۱۸ و ۱۷) سوره «طه» به تحلیل عرفانی پرسش و پاسخ میان حضرت موسی و خدا و کاربرد لفظ تکیه‌گاه برای عصا از زبان حضرت موسی می‌پردازد.

جهانگیر اصغری و ابراهیم طاهری عبده‌وند (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های عصای موسی در شعر مولانا»، تصاویری از تشبیه اندیشه‌های عرفانی و ادبی به عصای موسی در شعر مولانا ارائه کرده‌اند. رهنما و پارچه‌باف دولتی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «تأملی در تعریف کلامی معجزه براساس گزارش قرآن از معجزه عصای حضرت موسی»، به بررسی نظر متکلمان در مورد «معجزه» و تقابل واژه «آیه» و «سحر» در آیاتی که عصای موسی و عصای جادوگران را توصیف می‌کند، پرداخته است.

مستندات اصلی مقالات یادشده، آیات شریف قرآن است، درحالی‌که منابع مورد مطالعه پژوهش حاضر، داستان‌هایی از تفاسیر فارسی است. کاویانی‌پویا و امیری‌زند در مقاله خود با عنوان «عصا و جایگاه نمادین آن در فرهنگ‌ها و باورهای باستانی»، به تشریح نقوش ملل مختلف که تصویر عصا بر روی آن حک شده است، می‌پردازد و نگرش

فرهنگ‌های باستانی به این ابزار را نشان می‌دهد. در همین راستا، یارمحمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی جایگاه و نقش عصا در اساطیر و ادیان»، به تغییر نقش عصا در ادوار مختلف اساطیری و دینی می‌پردازد و به سرگذشت تبدیل نمادین عصا از وسیله‌ای جادویی، معجزه‌گر و مقدس برای قضاوت و خطابه و کاربرد نمادین آن در نماز جمعه در شکل اسلحه اشاره دارد. هر دو مقاله از سیر تدریجی عصا در اساطیر ملل سخن می‌گویند و به نقش نمادین عصای موسی در معنی مشروعیت دینی این پیامبر اشاره کرده‌اند، اما هیچ‌یک به صورت اختصاصی و آن‌هم در کتب تفسیری، به این موضوع نپرداخته‌اند.

پژوهش حاضر، جزئیات داستان‌هایی که عصای موسی رنگ و لعاب ویژه‌ای به آن زده است را موشکافی و راه خود را از اسطوره به عرفان باز می‌کند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و نیز سندکاوی انجام گرفته است. بر این اساس، جهت تحلیل و بررسی، کتاب‌های تفسیری‌ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، عبارت‌اند از: ۱- ترجمه تفسیر طبری در قرن چهارم؛ ۲- تفسیر تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف عمادالدین ابوالمظفر شاهپور اسفراینی در اواسط قرن پنجم؛ ۳- تفسیر التفاسیر، اثر ابوبکر عتیق بن محمد الهروی سوراآبادی، نیمه دوم قرن پنجم؛ ۴- کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، نوشته ابوالفضل رشیدالدین میبدی، نیمه دوم قرن ششم و ۵- روح‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن.

۱. عصا در ادیان آسمانی

در اساطیر باستان، عصا ابزاری در دست خدایان برای فرمانروایی و پاسبانی از مخلوقات و اداره امور است. ایزدان و ایزد بانوان با اعطای عصا به برخی از انسان‌های منتخب، گوشه‌ای از قدرت خود را به آنان می‌بخشیدند. تعلق عصا به افراد «نشانگر مشروعیت دینی و سیاسی آن‌ها و تأییدیه‌ای بر فرمانروایی و رهبری ایشان بر توده مردم به‌شمار می‌رفت» (کاویانی‌پویا و امیری‌زند، ۱۳۹۷: ۱۸۳). پیامبر ایرانی، زردشت عصایی دارد که از جانب اهورامزدا دریافت کرده است (اوستا، ۱۳۸۹: ۶۶۵). جمشید، عصای زرین و در نتیجه، قدرت خود را از هر مزد گرفته است (بهار، ۱۳۹۳: ۲۱۷). کتاب مقدس هم از متونی است که بارها و بارها واژه «عصا» در آن به کار رفته است. عبارات و اصطلاحاتی که از ترکیب واژه عصا در تورات دیده می‌شود، نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد. «در آیین مسیحی، عصا نماد قدرت است. بعدها جای غذای روحانی را گرفت و سپس علامت نیروبخشی روحانی کلیسا شد» (هال، ۱۳۸۷: ۲۹۷). «عصا که از جانب خداوند و نسل‌به‌نسل به پیامبران رسیده با همین کارکرد اساطیری در ادیان نمایان می‌شود؛ اما طبیعی است که خود را با دین و باورهای دینی هماهنگ می‌کند» (یاراحمدی، ۱۳۹۷: ۱۷۹). «حتی قدسی‌ترین ادبیات داستانی، شامل آمیزه‌ای از عناصر است که بعضی رمزی‌اند و بعضی دیگر از تفسیرهای آزاد راویان و حماسه‌سرایان که برای جلب توجه مستمعینشان، بدنه اصلی اساطیر بزرگ را با پیرایه‌های فرعی و ملحقات و ضمایمی که از زندگی روزانه، سنن و روایات محلی و آداب‌ورسوم کهن استخراج کرده‌اند، زینت می‌داده‌اند» (دلاشو، ۱۳۸۶: ۱۲۲). مقدسی در مورد اساطیر دینی گوید: «این است قصه‌هایی که عوام را بدان آزمندی بسیار است و در نقل آن با یکدیگر رقابت دارند، به

جان خودم سوگند که این‌ها چیزهایی است که مایهٔ افزایش بصیرت انسان در کار دین است و مایهٔ تعظیم قدرت پروردگار و حیرت در شگفتی‌های آفرینش خدای. اگر راست باشد، آفرینش آن بر خدای دشوار نیست و اگر از بر ساخته‌های جعلیات قصه‌پردازان (قصاص) باشد، همه تمثیل است و تشبیه و خدای داناتر است» (مقدسی، ۱۳۹۰: ۳۰۵).

۲. عصای موسی در قرآن و تورات

حضرت موسی، در وادی مقدس «طوی»، نوری مشاهده می‌کند که خود را خدای یگانه معرفی می‌کند و از موسی می‌پرسد: در دست راست چیست؟ موسی می‌گوید: این عصای من است که بر آن تکیه می‌زنم و برای گوسفندانم برگ درختان را فرومی‌ریزم و در آن نیازهای دیگری برای من هست. به موسی امر می‌شود، عصا را بیندازد و ناگهان ماری عظیم [حیه] می‌شود که به سرعت حرکت می‌کند. سپس خداوند می‌فرماید: آن را بگیر و نترس که ما آن را به صورت اولش برمی‌گردانیم (طه: ۱۷-۲۱). در آیه‌ای دیگر، عصا به ماری باریک و تیزرو [جان] تبدیل می‌شود (قصص: ۳۱؛ نمل: ۱۰). در این دو سوره، خداوند معجزه‌اش را به موسی نشان می‌دهد تا با قلبی مطمئن به سوی فرعون روانه شود. موسی به همراه برادرش هارون به دربار فرعون می‌رود و از معجزه‌اش رونمایی می‌کند. پس عصایش را می‌اندازد، و عصا ناگهان اژدهایی [ثعبان] حقیقی می‌شود (شعرا: ۳۲). هنگامی واژه «ثعبان» استعمال می‌شود که موسی رویاروی فرعون قرار می‌گیرد و برگردان آن با واژه «اژدها» مطابقت داده شده است (اعراف: ۱۰۷). به عبارت قرآن، این ثعبان که آشکار مبین و حقیقی است، سحر جادوگران را می‌بلعد (اعراف: ۱۱۷؛ طه: ۶۹؛ شعرا: ۴۵). بنابر آیات قرآن، عصای موسی تبدیل به «حیه»، «جان» و «ثعبان» می‌شود. وقتی واژه «ثعبان» به کار می‌رود، صفت «مبین» استفاده می‌شود.

در تورات نیز خداوند از موسی می‌پرسد: در دست تو چیست؟ و پس از پاسخ موسی، به وی امر می‌شود که آن را بر زمین بیندازد؛ و عصا ماری می‌گردد و موسی از آن می‌گریزد. پس خداوند به موسی می‌فرماید که دست خود را دراز کند و دُمش را بگیرد. موسی چنین می‌کند و آن موجود دوباره به عصا بدل می‌شود (خروج: ۴). پیش از ورود به دربار فرعون نیز خداوند، خطاب به موسی و هارون می‌گوید: چون فرعون از شما معجزه‌ای بخواهد. هارون عصای خود را پیش روی فرعون بیندازد، تا اژدها شود. موسی و هارون نزد فرعون می‌روند و آنچه خداوند فرموده بود، انجام می‌دهند. مطابق فرمان الهی هارون عصای خود را پیش روی فرعون و ملازمانش می‌اندازد. عصا اژدها می‌گردد. فرعون نیز حکیمان و جادوگران را فرامی‌خواند و عصای ساحران نیز به افسون‌هایی اژدها می‌شود، ولی عصای هارون عصاهای ایشان را می‌بلعد (خروج: ۷). متن قرآن و تورات، جز افزوده شدن نقش هارون در تورات، تقریباً یکسان است. فرعونیان به خدای موسی ایمان نیاوردند و بنی‌اسرائیل را از قید خویش رها نساختند. فرمان آمد که موسی، شبانه، قوم بنی‌اسرائیل را از مصر خارج کند. فرعونیان طلوع آفتاب به دنبال آنان حرکت کردند و کنار دریا آن‌ها را دیدند. به موسی وحی می‌شود که: عصایش را به دریا بزنند. دریا از هم می‌شکافد و هر پاره‌اش چون کوهی بزرگ کنار می‌رود.

(شعرا: ۶۴). در متن تورات، موسی دست خود را بر دریا دراز می‌کند و خداوند دریا را به باد شرقی شدید، تمامی آن شب برمی‌گرداند و خشک می‌سازد و پس از عبور بنی‌اسرائیل، موسی به فرمان خدا دست خود را بر دریا دراز می‌کند تا آب‌ها بر مصریان برگردد (خروج: ۱۴ و ۱۵). اگرچه نامی از عصا به میان نمی‌آید، اما به قرینهٔ روایات پیشین، می‌توان حضور عصا را دریافت.

از دیگر آیاتی که عصا در آن حضور دارد، زمانی است که موسی برای قوم تشنه‌اش درخواست آب دارد. پس به او گفته می‌شود، «عصایت را به این سنگ بزن. در نتیجه، دوازده چشمه از آن جوشید، به طوری که هر گروهی از دوازده گروه بنی‌اسرائیل [چشمهٔ ویژهٔ خود را شناخت...» (بقره: ۶۰). به کار بردن اسم اشارهٔ «این» نشان از آن دارد که سنگی مشخص مدنظر است.

به روایت تورات، خداوند به موسی می‌فرماید: پیش قوم برو؛ و بعضی از مشایخ اسرائیل را با خود بردارد و عصای خود را که به آن نهر زده است، در دست خود بگیرد، من خداوند، در آنجا پیش روی تو بر آن صخره‌ای که در حوریب است، می‌ایستم و تو بر آن صخره بزن، تا آب از آن بیرون بیاید و قوم بنوشند (خروج: ۱۷). در این قسمت از تورات از جوشش دوازده چشمه سخنی نیست، ولی در منطقه‌ای به نام «ایلیم»، قوم در کنار دوازده چشمه فرود می‌آیند (خروج: ۱۶). وقتی کتاب مقدس از معجزات هارون سخن می‌راند، همیشه عصایی در میان است که با وحی خدای موسی به انجام می‌رسد، ولی بیشتر معجزات موسی به امر خداوند و از قدرت دستانش نشأت می‌گیرد. در اینجا آیاتی از قرآن که واژهٔ «عصا» به‌طور مشخص در آن آمده است، به همراه آیاتی از تورات که داستانی مشترک با آیات قرآن دارند، روایت شد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، غیر از معجزه‌ای که نمایان است، امر غیرمعقولی به چشم نمی‌خورد.

۳. عصای موسی در تفاسیر فارسی و آثار نگارگری

۳.۱. خاستگاه عصا

در بیشتر متون تفسیری جنس عصای موسی از «مورد» بهشت است. در دین زردشت، این گیاه نماد هرمز است (دادگی، ۱۳۷۸: ۸۸). از ابن عباس نقل می‌شود که یکی از سه شیئی که با آدم به زمین فرستاده شد، عصای موسی بود و جنس آن از درخت «آس» بهشت و طولش ده گز بود (مبیدی، ۱۳۹۳: ۵۰۰/۹). عصای موسی میراث آدم ابوالبشر است که منشأ آسمانی دارد. در اینکه عصا کی و چگونه به‌دست موسی رسید، سه زمان مختلف ذکر شده است. قول اول آن است، آن شب که موسی از مصر گریخت، جبرئیل عصای آدم را از بهشت برای وی آورد (همان ۲۹۲/۷) و گفته‌اند: از آن درخت بود که در شب بعثت، در طور سینا، خدا از آن با موسی سخن گفت (طبری، ۱۳۹۳: ۱۰۱۳/۴). قول مشهورتر آن است که موسی^(ع) آن عصا را در آن زمان که شبانی گوسفندان شعیب را داشت، از شعیب گرفته بود. آن عصا میراث آدم و جنس آن از مورد بهشت است. چون آدم -علیه‌السلام- از بهشت به زمین آمد، آن را با خود آورده بود (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۸۰۹-۱۸۱۰؛ مبیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۲/۷؛ رازی، ۱۳۸۱: ۳۰۶/۱).



تصویر ۱. فرو رفتن قارون در زمین در حضور حضرت موسی. نسخه جامع‌التواریخ. مکتب ایلخانان. محل نگهداری: کتابخانه دانشگاه ادینبورگ

همانگونه که در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌شود، عصای موسی در این نگاره به شکل نماد پیامبری وی در جلوی رویش قرار دارد. اندازه آن نیز بسیار بزرگ و به اندازه قامت حضرت موسی است.

۳.۲. حضور سلسله‌وار عصا

از خصوصیت عصای آدم، آن است که بارها به آسمان بازمی‌گردد و در زمان مناسب به فرد مناسب امانت داده می‌شود. بسیاری از اشیاء و ابزار پیش از وقوع حادثه، برگزیده می‌شوند. عصای موسی از همان زمان که در عصاخانه شعیب قرار دارد، انتخاب شده است تا به اهلش برسد. حتی میان عصا و آن سنگی که در بیابان، دوازده چشمه از آن می‌جوشد، از قبل رابطه برقرار می‌شود. داستان بدین‌گونه است که چون موسی برخلاف عادت بنی‌اسرائیل، در منظر عام، برهنه خود را نمی‌شست، گمان بردند که او به بیماری «آدر» مبتلاست. چون موسی در خلوت، جامه بر سنگ نهاد تا خود را بشوید، سنگ به فرمان خدا حرکت کرد و جامه را با خود برد. چون موسی برهنه به دنبال آن دوید، بنی‌اسرائیل بر سلامت او واقف شدند. موسی عصایش را بر سنگ کوبید و سنگ ایستاد. در این قسمت مفسر می‌افزاید که به موسی امر شد، آن سنگ را با خود بردارد (اسفراینی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۱-۱۰۷). این سنگ به داستان داوود راه می‌یابد و باعث هلاکت جالوت می‌شود (رازی، ۱۳۸۱: ۳۷۹/۳). عصای موسی نیز که میراث آدم است، در آخرالزمان همراه با خاتم سلیمان به «دابه‌الارض» خواهد رسید (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۸۹/۳-۱۷۹۰؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۵۸/۷-۲۵۶؛ رازی، ۱۳۶۹: ۷۳/۱۵-۷۵). عبدالله عباس گفته است که عصای موسی در دریاچه طبرستان است و در عهد صاحب‌الزمان و پیش از قیامت، آن را از آنجا بیرون آرند (رازی، ۱۳۸۱: ۳۶۸/۳). برخی «دابه» را همان عصای موسی دانسته‌اند که به هنگام رستاخیز برمی‌خیزد و سه شبانه روز از هوا با خلق سخن می‌گوید (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۸۹/۳). برخی هم «دابه» را صاحب عصای موسی و انگشتری سلیمان می‌دانند که با این دو، مؤمن و کافر را علامت می‌گذارد (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۸۹/۳-۱۷۹۰؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۵۶/۷؛ رازی، ۱۳۶۹: ۷۳/۱۵-۷۵).



تصویر شماره ۲۰. حضرت موسی به لایوان دستور می‌دهد گوساله طلایی پرستان را سر ببرند. جامع‌التواریخ. مکتب ایلخانان. محل نگهداری: انجمن آسیایی لندن

۳.۳. انسان‌وارگی عصا

نام این عصا «عَلِیق» است (میبدی، ۱۳۹۳: ۱۰۶/۶؛ رازی، ۱۳۸۱: ۳۰۶/۱) و نام درختی هم که در کوه طور با موسی سخن می‌گوید، «عَلِیق» معرفی می‌شود (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۸۱۲/۳). در اسطوره‌های دینی اشیاء، طبیعت و جانوران منتخب، دارای روح انسانی هستند و از نام و کنیه برخوردارند و باید با آن‌ها با احترام رفتار شود. نمونه آن «بحر قلزم» است که تا موسی آن را با کنیه نمی‌خواند شکافته نمی‌شود (میبدی، ۱۳۹۳: ۱۸۵/۱؛ رازی، ۱۳۸۱: ۲۸۰/۱).

۳.۴. پیکرگردانی عصا

در تفسیر عبارت «مآرب اخری»، تقریباً، توضیحات یکسانی در این تفاسیر به چشم می‌خورد؛ بدون اینکه نقدی بر آن داشته باشند، به توصیف خوارق عادات این عصا پرداخته‌اند. عصای موسی همچون چهارپایی تصور می‌شود که اسباب وی را حمل می‌کند، هرگاه موسی خوردنی و نوشیدنی می‌خواهد، با بر زمین زدن عصا، محیا می‌شود. عصا در شب به دفع موجودات موزی چون مار و کژدم مشغول است و روزها پاسبانی گله موسی را برعهده دارد. تبدیل به دلو و رسن شده و از چاه آب می‌کشد و همدم و هم صحبت حضرت موسی می‌شود (طبری، ۱۳۹۳: ۱۰۱۶/۴؛ اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۳۷۶/۳؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۱۱/۳-۱۵۱۳؛ میبدی، ۱۳۹۳: ۲۰۵/۱؛ رازی، ۱۳۶۸: ۱۳۷/۱۳-۱۳۸).

اگرچه معجزات انبیا با پیکرگردانی و استحاله پیوندی ناگسستنی دارد، ولی بسیاری از این امور مثل دفع مار و کژدم و گرگ یا برکشیدن آب و انداختن میوه را که می‌توان با یک عصا انجام داد، عصا را به یک وسیله جادویی ارتقاء می‌دهد. میبدی این امور شگفت‌انگیز را به جهت ماهیت معجزه‌آسایی که دارد به پس از رسالت موسی موکول می‌کند (میبدی، ۱۳۹۳: ۱۰۷/۱۶)، اما سکوت ابوالفتوح عجیب است و از عباراتی که معمولاً برای ایجاد تردید و یا ردّ مطلب در کنار مطالب محیرالعقول به کار می‌برد، خبری نیست. این درحالی است که پیش از رسالت موسی نیز با پیکرگردانی عصا روبه‌رو شده‌ایم. وقتی موسی به شبانی شعیب درمی‌آید، رمه‌اش وارد چمن‌زاری می‌شود؛ موسی در

خواب است و اژدهایی آهنگ گوسفندان دارد که عصا به جنگ با او رفته و اژدها را مغلوب می‌سازد (سورآبادی ۱۳۸۰: ۱۸۱۰/۳؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۵/۷؛ رازی، ۱۳۶۹: ۱۲۵/۱۵). پس چگونه موسی در شب بعثت از تبدیل عصا به مار می‌هراسد؟ آنچه مشخص است که با قرار گرفتن این مطالب در کنار هم، داستان‌های ساختگی نمایان می‌شود. «چوب‌دست در افسانه‌ها نقش مستحیل‌کنندگی و تبدیل به موجودات خیر و شر و نماد مرکب نامرئی در سفرها را با خود داشته است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۵۴۵/۲).



تصویر شماره ۳. نگاره رودرویی حضرت موسی (ع) با ساحران فرعون. فالنامه شاه‌طهماسبی. دوره صفویه. محل نگهداری: موزه توپقاپی استانبول.

۳.۵. بزرگ‌نمایی عصا

خوارق عادت‌ی که از این عصا سر می‌زند به طرز افسانه‌واری با جادو می‌آمیزد و چنین می‌نماید که پیامبر خدا، در حل مشکلات روزمره زندگی خود به توانایی‌های این عصا تکیه می‌زند. اندازه این اژدها در زمان ابلاغ رسالت، در وهم نمی‌گنجد. اژدها در قالب موجودی سیاه، از شتر بختی بزرگ‌تر با چهارپای ستبر کوتاه و دم‌ی دراز، توصیف می‌شود که چون بر روی دم خود می‌نشیند، قدش به سرو گردنی از باره شهر بالاتر است. چون دم خود را بر چیزی بکوبد، آن چیز فرومی‌پاشد و چون پای بر جایی نهد، آن را خرد می‌کند. از دهانش آتش بیرون می‌آید. بر گردنش موی‌های درازی به مانند نیزه‌ها برخاسته است؛ این عصا دو سر است و هر سر دهانی می‌شود. پهنای این اژدها دوازده گز است با دندان‌هایی بزرگ و دمشی که از بینی‌اش خارج می‌شود و می‌تواند در ساعتی، چهل خروار چوب و رسن را بلعد. (طبری، ۱۳۹۳: ۱۰۲۳/۴؛ اسفراینی، ۱۳۷۴: ۷۵۴/۲-۷۵۵؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۲۵/۳-۱۵۲۶؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳).

۱۰۵/۷؛ رازی، ۱۳۷۶: ۳۳۶/۸). در جنگ حضرت موسی با جباران نیز این بزرگ‌نمایی به طرز نخل‌آورانه‌ای دیده می‌شود. عوج بن‌عنق که مردی غول‌آسا توصیف می‌شود و از بازماندگان توفان نوح است؛ سنگی عظیم را به بالای سر برده تا بنی‌اسرائیل را هلاک کند. قامت موسی ده‌گز است و اندازه عصایش ده‌گز. حضرت موسی ده‌گز به هوا می‌پرد و با عصا به قوزک پای عوج می‌کوبد و او را منهدم می‌سازد (طبری، ۱۳۹۳: ۵۳/۱-۵۶؛ اسفراینی، ۱۳۷۴: ۵۶۹/۲؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۸۱۰/۳-۱۸۱۱).



تصویر ۴. نگاره رقابت حضرت موسی (ع) و ساحران فرعون با حضور عصای. فالنامه دوره صفوی. محل نگهداری: نامشخص در تصویر فوق عصای موسی که تبدیل به اژدها شده، بسیار بزرگ ترسیم شده است.

در کتاب مقدس، عصا در جنگ با عمالیق نمود چشمگیری دارد. موسی بر قلّه کوه ایستاده است، درحالی‌که عصای خدا را در دست دارد. چون موسی دست خود را برمی‌افرازد، بنی‌اسرائیل غلبه می‌یابند و چون دست خود را فرومی‌آورد، عمالیق چیره می‌شوند (خروج: ۱۸). عوج پادشاه باشان، در زمان سلیمان است (کتاب اول پادشاهان: ۵) و نشانه‌ای از حضور او در زمان موسی و یا توصیف اندام وی و جدال میان آن دو دیده نمی‌شود. بیرونی در این معنی گوید: «نباید این امر را جزو ممتنعات شمرد و این تورات است که در دسترس ما است و از بزرگی ابدان جباران گفت‌وگو می‌کند و بنی‌اسرائیل در سالیان متمادی که از بدو تورات می‌گذرد و این اخبار را خوانده‌اند، تکذیب نکردند و به هیچ‌قسم طعنه به صحت روایات نزدند و اگر واقعاً مردمی بسیار عظیم‌الجثه پیش از ما نبودند، حکایات آن‌ها در زبان‌ها باقی نمی‌ماند» (بیرونی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). این درحالی است که در متن صریح قرآن و تورات چنین بزرگ‌نمایی‌هایی را نمی‌بینیم. به نظر می‌رسد که ذهن اسطوره‌ساز تاریخ، نیاز داشته است که از یک‌سو دشمن را تا حد آبرانسان با نیروهایی فرآنسانی ارتقاء دهد و از سوی دیگر، برای به رخ کشیدن نیروی عظیم خداوندی، حرکت

تمام ذرات هستی را در جهت انجام فرمان و اراده خداوندی نشان دهد. این بزرگ‌نمایی بیش‌ازحد دشمن، در افسانه‌ها مرسوم است و در اسطوره‌های دینی به وسعت‌بخشی امداد الهی صحه می‌گذارد.

۴. معانی نمادین و رمزی عصای موسی

۴.۱. عصا معرفت است

موسی در طور سینا به بلا مبتلا می‌گردد و در پی یافتن آتش، خدایش را می‌یابد که در درختی متجلی شده است و با او سخن می‌گوید. حادثه‌ای مهم به وقوع پیوسته است ولی خداوند در مورد عصایش از او می‌پرسد. به طبع، موسی می‌داند که این پرسش بیهوده نیست. مفسران گفته‌اند که این سؤال از آن روی است که موسی آرامش خود را بازیابد و یا اهمیت این عصا را یادآوری کند. زمانی که همین سخنان را از زبان موسی در دربار فرعون می‌شنویم، درمی‌یابیم که خدایش به وی می‌آموزد که چگونه معجزه خود را رو نماید. زمانی که خداوند از موسی می‌پرسد که این در دست راست چیست؟ موسی جواب می‌دهد که این عصای من است و من بر آن تکیه می‌زنم (طه: ۱۷-۱۸ نک. خروج: ۴) پاسخ، اشتباه است. تکیه‌گاه موسی سبب هراس و وحشت او می‌گردد. بنابر گفته مفسران، تبدیل عصا به مار، برای آن است که بنده بدلند که جز بر خدا اعتماد نباید کرد و آن‌کس که بر غیر خدا اعتماد کند، معتمد او چنین است. (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۱۱/۳-۱۵۱۳؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۳۱۱/۷؛ رازی، ۱۳۶۸: ۱۳۹/۱۳). سورآبادی این مطلب را چنین بسط داده است: چون موسی خواست در پی آتش رود، صفورا به او می‌گوید که مراقب ماران و کژدمان این بیابان باشد. موسی پاسخ می‌دهد که با عصا و نعلین آن‌ها را بکوبم. دو نعلین او کژدم گشت و عصا ثعبانی مبین (سورآبادی ۱۳۸۰: ۱۵۱۰/۳-۱۵۰۹). در شب بعثت، گم‌شدن عصا از محنت‌های موسی شمرده شده است (همان: ۱۸۱۲/۳). چون این حادثه قبل از ملاقات با خداست، برکنار نهادن تعلقات دنیوی تأکید دارد.

۴.۲. عصا تبیان است

چرا در قرآن، عصایک جابه «حیه» و یک جا «جان» و یک جابه «ثعبان» تبدیل می‌شود. آیا این تناقض‌گویی نیست؟ سه جواب برای آن آورده‌اند: ابتدا ماری کوچک و سریع بود و به تدریج بزرگ گشت تا ثعبانی شد. دوم، یک‌بار «حیه» بود و یک‌بار «جان» بود و یک‌بار «ثعبان». سوم، در سرعت «جان» بود و در هیبت «ثعبان» (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۷۸۲/۲؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۲/۷؛ رازی، ۱۳۶۸: ۱۳۸/۱۳).

تبدیل شدن «جان» به «حیه» و «ثعبان» را به مراحل روحی موسی و رشد معنوی او نیز نسبت داده‌اند. هرچه موسی در مسیر دعوت خود نردبان تعالی را طی می‌کند و با عزمی راسخ‌تر قدم برمی‌دارد، عصای او نیز همگام با او به جانوری بزرگ‌تر مسخ می‌شود. موسایی که در شب بعثت از ماری کوچک می‌گریزد، در روز ابلاغ رسالت، دست در دهان اژدها کرده آن را فرومی‌نشاند. تعبیر سعدالدین حمویه از «ثعبان»، حقیقت و اسراری است که بر زبان هویدا می‌گردد (حمویه ۱۳۶۳: ۱۲۶).

۴.۳. عصا دلیل است

به روز عید قبطیان در عیدگاه، موسی در برابر ساحرانی قرار می‌گیرد که فرعون از سراسر ملکش فراخوانده است. آن‌ها نمایشی از رسن‌ها و چوب‌های به سیماب انباشته‌شده به نمایش می‌گذارند، به گونه‌ای که حضرت موسی را نیز به شگفتی وامی‌دارد. به امر پروردگار، موسی عصا را بر زمین می‌افکند و ثعبانی عظیم می‌گردد و رسن‌های ایشان را که چون مار در هم می‌پیچیدند و می‌بلعد. تأویل برخی از افراد، بر این‌که عصای موسی دیگر عصاها را فرو می‌بلعد، بر این است که ادله موسی بر دلایل ساحران تفوق می‌یابد. مقدسی این نظر را به شدت رد می‌کند و آن را از دو حال بیرون نمی‌داند؛ به باور او این نظر یا از آن منکران معجزات است و یا تأویلی زشت از فرط نادانی است (مقدسی ۱۳۹۰: ۴۶۷). مفسران از تأویل و رمزگذاری بر معجزات انبیا ابا دارند و بر این نکته تأکید می‌ورزند که معجزه امری ذهنی نیست و این امور در واقع به وقوع پیوسته است؛ بنابراین با قبول این مطلب که معجزه عینیّت داشته است، می‌توان از تأویل عرفانی نیز استفاده کرد.

۵. کارکردهای عصا

۵.۱. معیار گزینش

اندازه عصای موسی، ده گز است که با قامت موسی برابر است (طبری، ۱۳۹۳: ۵۶/۳؛ اسفراینی، ۱۳۷۴: ۵۶۹/۲؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۶/۶؛ رازی، ۱۳۷۴: ۲۹۹/۶). مبنای انتخاب پادشاه بنی‌اسرائیل در زمان اشموئیل نبی، همسانی با عصایی آسمانی است. «خدای تعالی جبرئیل را فرستاد به اشمویل و عصایی و قرنی ... و گفت: خدایت سلام می‌کند و می‌گوید که: پادشاه بنی‌اسرائیل آن بود که به بالای این عصا برابر بود» (رازی، ۱۳۸۱: ۳۵۴/۳). گزینش فرد بر این اساس نیز داستانی تکرارشونده است؛ در آیات قرآن تنها نشانه فرمانروایی طالوت، بازگشت تابوت عهد به بنی‌اسرائیل عنوان می‌گردد (بقره: ۲۴۸). در کتاب مقدس هم اثری از عصا نیست. شاول که همان طالوت است، به صرف دیدار، در زمان مشخص، تعیین می‌گردد (کتاب اول سمویل: ۹).

اغیار حق تصرف این اشیاء خاص را ندارند و چون نامحرم بر این اشیاء دست زنند، عقوبت بینند. سلیمان نبی عصایی از جنس «آبنوس» در مسجد بیت‌المقدس نهاده بود که اگر فرزند پیامبری بر آن دست می‌زد، سلامت می‌ماند، اما مدعی این انتساب، چون آن را لمس می‌کرد، دستش می‌سوخت (میبیدی، ۱۳۹۳: ۴۸۰/۵؛ رازی، ۱۳۶۵: ۵۰/۱۶). عصای عیسی هم که خاصیت احیای مردگان دارد، زمانی که مرد جهودی آن را می‌دزدد و قصد می‌کند تا ملک بیمار را درمان کند، با قدرت معکوس عصا مواجه می‌شود و پادشاه در جا می‌میرد (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۵۰۲/۱-۵۰۱). در آنجا که موسی و بنی‌اسرائیل به «بحر قلزم» می‌رسند، جبرئیل وحی می‌آورد که عصا را بر دریا بزن؛ هارون قصد می‌کند که شرف این کار نصیب او شود، اما دریا بر او نهیب می‌زند و هارون عصا را به موسی بازمی‌گرداند (همان: ۶۹-۷۰). به نظر می‌رسد این داستان، با مقابله آیات قرآن و تورات شکل گرفته است و بر مردود بودن قدرت هارون صحه می‌گذارد. اگر به متن تورات و داستان‌های تفاسیر توجه کنیم، در خواهیم یافت که

حضرت موسی در میان بنی‌اسرائیل به اندازهٔ هارون محبوبیت ندارد و هارون نقش واسطهٔ موسی و قوم را برعهده دارد. تأکید بر شایستگی موسی بر دستیابی به عصا، در داستان پسران شعیب هم به نمایش گذاشته می‌شود. هرگاه پسری از پسران شعیب بالغ می‌شود، به پسر گفته می‌شود که برود و عصایی بردارد. چون هر یک از پسران می‌خواهند تا عصا را بردارند، آتشی می‌آید و آنان را هلاک می‌کند، تا آنکه شعیب دخترش را به ازدواج موسی درمی‌آورد و به دختر می‌گوید عصایی برای شوهرش بیاورد. او نیز چنین می‌کند؛ درحالی‌که هیچ آفت و آسیبی به وی نمی‌رسد (رازی، ۱۳۶۹: ۱۲۵/۱۵). در این داستان به‌صورت اسطوره‌واری یازده پسر قربانی می‌شوند تا اهمیت اختصاص عصا به موسی و محق بودن او به تصرف آن، تفهیم گردد.

همچنین وقتی که موعد مقرر کابین صفورا، همسر موسی، به پایان می‌رسد و موسی را هوای دیار برمی‌دارد و راهی مصر می‌کند، شعیب عصایی را که به موسی امانت داده است می‌طلبد، اما موسی از پس دادن آن سر باز می‌زند. در اینجا به‌مانند خیلی از حکایات، اولین فرد ناشناس، حکمیت میان آن دو را برعهده می‌گیرد. حاکم که فرشته‌ای از سوی خداوند است، پیری و نابینایی شعیب را به فراموشی می‌سپارد و با برگزاری مسابقه‌ای ناعادلانه، موسی را صاحب عصا معرفی می‌کند و البته شعیب هیچ شکایتی ندارد (طبری، ۱۳۹۳: ۱۰۱۳/۴-۱۰۱۴؛ میدی، ۱۳۹۳: ۲۹۷/۷).

برگ و بار دادن عصا هم معیاری برای گزینش و تأیید فرد اصلح است. در داستانی، یوسف خواب می‌بیند که شخصی از آسمان فرود می‌آید و عصای او و برادرانش را می‌گیرد. عصای یوسف در میان آن چوب‌های خشک، شروع به بالیدن می‌کند و برگ و میوه می‌دهد و باد عصاهای برادرانش را به دریا می‌افکند. تعبیر این خواب به گفتهٔ برادران یوسف چنین است که او می‌خواهد «بر ما خداوند باشد و ما او را بندگان باشیم» (میدی، ۱۳۹۳: ۶/۵؛ قس: اسفراینی، ۱۳۷۴: ۱۰۵۱/۳؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۰۹۴/۲). در کتاب مقدس، برادران یوسف پاسخ می‌دهند: «آیا فی‌الحقیقه بر ما سلطنت خواهی کرد؟» (پیدایش: ۳۷). در داستان دیگری، قارون به ریاست گرفتن هارون معترض است. حضرت موسی عصای هارون و مدعیان این منصب را در عبادتگاه قرار می‌دهد و در را می‌بندد و چون فرداروز در را باز می‌کنند، عصای هارون سبز گشته و برگ آورده است (میدی، ۱۳۹۳: ۳۴۹/۷؛ رازی، ۱۳۶۹: ۱۷۲/۱۵-۱۷۳).

شکوفاشدن و برگ و بار دادن عصا، بر ولایت یافتن صاحب عصا دلالت دارد و تأییدی است بر حکم الهی (اعداد: ۱۷-۱۸). شوالیه نیز شکوفه‌دادن عصا را نماد انتخاب خدا و نشانهٔ اقتدار خلدان منتخب و میانجی‌گری فرد تعیین‌شده و خدا بیان می‌کند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۴: ۵۴۰/۲).

خودمختاری عصا دال بر اتصال با ماوراء و نشانی بر معجزه و نبوت صاحب عصا است. موسی و هارون به درگاه فرعون می‌روند و آیات و معجزات پروردگار خود را عرضه می‌دارند. هنگام بازگشت در خانهٔ پیرزنی از خویشان خود اقامت می‌کنند. مأموران فرعون آن‌ها را تعقیب می‌کنند؛ آن‌ها در خوابند، اما عصا دگر بار ازدهایی خشمناک گشته و مأموران می‌گریزند. اهمیت خواب‌بودن موسی در این داستان و در ماجرای حفاظت عصا از رمةٔ موسی، زمانی هویدا

می‌شود که فرعون به دنبال ساحران توانا، قلمرو خود را جست‌وجو می‌کند. دو تن از استادان آن فن ادعا می‌کنند که اگر موسی ساحر باشد، بر او غلبه خواهند کرد، اما اگر کار او سماوی باشد از مقابله با او عاجزند. توانایی تمیزدادن سحر و معجزه قبل از وقوع آن، در حیطة علم زمینیان قرار نمی‌گیرد، بنابراین از ارواح مردگان خود مدد می‌جویند. به سر گور پدران خود رفته و راه چاره را می‌پرسند. «از آن گور آوازی آمد که بر روی و جهد کنی تا او را خفته یابی، آنکه عصای او بدزدی، اگر ساحر است، عصا به دست شما افتد و او از کار بازماند که ساحر خفته سحر نتواند کرد و اگر خفته عصا با شما قتال کند، او ساحر نیست پیش او مروی که او غالب آید شما را» (رازی، ۱۳۷۶: ۸ / ۳۳۱؛ قس: اسفراینی، ۱۳۷۴: ۱۳۸۶/۳). آن دو استاد بنابر پند پدران در گذشته‌شان عمل کرده و عصای موسی را می‌آزمایند و در نتیجه از رویارویی با او ابا می‌کنند.

۵.۲. بلوغ و دریافت نشان

پسران با رسیدن به سن بلوغ، عصای مخصوص به خود را همچون نشان، دریافت می‌کردند. در سرای یعقوب درختی است که هرگاه حضرت یعقوب صاحب پسر می‌شود، از آن درخت شاخه‌ای می‌روید و با آن پسر می‌بالد. چون پسر بالغ می‌شود، یعقوب شاخه را برمی‌چیند و به فرزند می‌دهد و می‌گوید: این «عصای تو است که با تو زاد و رُست» (رازی ۱۳۶۷: ۹/۱۱). در مورد پسران شعیب هم این ماجرا صادق است. «و این مرد را یازده پسر بود، هر گه پسری از آن او بالغ شدی، او را گفتم: برو و از آن عصا یکی بردار» (رازی، ۱۳۶۹: ۱۲۴/۱۵).

باور گیاهی‌بودن اولین انسان‌ها، چه آن‌گونه که در اساطیر ایرانی و ژاپنی است و چه به صورت خمیرمایه گلین آن، در اساطیر گوناگون از جمله اساطیر یهودی، مسیحی و اسلامی، گویای پیوندی مستحکم است و ریشه در وجود نباتی آدمی دارد و او را به هم‌زادپنداری با گیاه وامی‌دارد. «در جهان بینی اسطوره‌ای، انسان و جهان در گوهر و سرشت با یکدیگر یکسان‌اند» (کزازی، ۱۳۷۲: ۳۱).

۵.۳. وسیله عذاب و نجات

طبق روایات، با وجود آیات و بینات، قبطیان دست از کیش و آیین خود بر نمی‌دارند و حاضر به رهاکردن بنی‌اسرائیل از قید بندگی نمی‌شوند. در کتاب مقدس از ده نوع عذابی که بر آنان نازل می‌شود، سخن می‌رود. عذاب‌هایی چون بلای خون، وزغ، پشه، مگس، دمل‌ها، تگرگ، ملخ، تاریکی، بلا بر مواشی و مرگ نخست‌زادگان. تبدیل آب به خون، برخاستن وزغ‌ها از جوی‌ها و نهرها، تبدیل گردوغبار به پشه، از تأثیرات عصا است (خروج: ۷-۱۱؛ راوندی، ۱۳۶۸: ۱۷۹-۱۷۷). در تفاسیر فارسی، عصا در دو مورد دخیل است. موسی عصایش را بر «تل عین الشمس» می‌زند و از ریگ‌های آن چندان ششپش برمی‌خیزد که مو بر سر و روی مردمان باقی نمی‌گذارد (میبدی، ۱۳۹۳: ۷۱۳/۳-۷۱۴؛ رازی، ۱۳۷۶: ۳۵۶/۸-۳۵۷) و نیز موسی عصا در هوا می‌چرخاند و باد ملخ‌ها را به مصر سرازیر می‌کند. پس از پایان بلا با همان چرخش در هوا باد آن‌ها را به دریا می‌افکند (رازی، ۱۳۷۶: ۳۵۶/۸). هنگامی که قبطیان در لندوه مرگ نخست‌زادگان خود در مانده‌اند، موسی به دریا رسیده است. نه راه گریزی است و نه قدرت رویارویی، امر می‌آید که

عصایش را بر دریا بزند و دوازده راه پدیدار می‌گردد و قوم عبور می‌کنند (خروج: ۱۴-۱۵) و چون در بیابان آب نیافتند، موسی عصایش را بر سنگی زد و دوازده چشمه جاری شد و دوازده طایفه بنی‌اسرائیل را سیراب کرد. چنین گفته‌اند که خداوند آب دریا را در عصای موسی تعبیه می‌کند و آن هنگام که قومش در بیابان آب می‌خواهند با ضربه عصا به سنگ، آن آبی را که عصا در خود کشیده است، پدیدار می‌کند (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۳۲/۳).

سورآبادی در این باره به طرح مسئله می‌پردازد و پاسخ می‌دهد: «سؤال: ضروری است که دخول کبیر و کثیر در جوف صغیر روا نبود، پس آن همه آب در میان آن سنگ حقیر یا عصا چگونه ممکن بود؟ جواب گوییم: خدای تعالی آن را در حال به کن فیکون می‌آفریند نه آن است که همه آب در آن مجموع بود و گفته‌اند بعضی از متکلمان اسلام که خدای تعالی اجزاء هوا را در آن وقت آب گردانید» (همان، ۸۱۹/۲).

۵.۴. فرمان‌روایی عصا بر عناصر

عصا و آتش: در نمادگرایی چوب، به سرشت آتش‌زای این ماده توجه شده است. در کنار آتش آسمانی که زاییده صاعقه و رهاوردی ایزدی است؛ آتش زمینی، حاصل برخورد دو چوب زیرین و زبرین یا زند و پازند است. «این دو پاره چوب که یکی نرم و دیگری سخت‌تر است، مادر و پدر آتش دانسته شده» (پوردادو ۱۳۹۱: ۱۰۵). «نمادگرایی چوب‌دست در ارتباط با نمادگرایی آتش نیز هست» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۵۳۸/۲). در تفاسیر مورد استناد، عصای موسی و درختی که خداوند در آن به صورت آتش تجلی نمود، هم‌نام هستند. حتی برخی عصا را از شاخ همان درخت می‌دانند (طبری، ۱۳۹۳: ۱۰۱۳/۴). اگر عصای موسی با عنصر آتش پیوند بخورد، می‌توان معجزات حضرت موسی را با دیگر عناصر مرتبط دانست.

عصا و آب: ۱- وقتی عصا به آب آشامیدنی گوسفندان می‌خورد، رنگ و جنسیت گوسفندان تغییر می‌یابد (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۸۱۱/۳؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۸۹/۷؛ رازی، ۱۳۶۹: ۱۲۵-۱۲۶/۱۵). ۲- موسی عصا به آب نیل می‌زند و آب به خون بدل می‌شود و پس از پایان عذاب با برخورد دوباره، آب خالص می‌گردد. ۳- با اشاره عصا به آب جوی‌ها و نهرها، وزغ‌ها به مصر سرازیر می‌شوند و با همان اشاره بازمی‌گردند (خروج: ۷-۸؛ راوندی، ۱۳۶۸: ۱۷۸). ۴- با زدن عصا به دریا، آب شکافته می‌شود و دوازده راه برای عبور بنی‌اسرائیل باز می‌شود (شعرا: ۶۴).

عصا و باد: ۱- با چرخاندن عصا به مشرق، باد شرقی ملخ‌ها را به مصر می‌آورد و با چرخاندن عصا به مغرب باد غربی آن‌ها را با خود به دریا می‌ریزد (رازی، ۱۳۷۶: ۳۵۶/۸؛ راوندی، ۱۳۶۸: ۱۷۹). ۲- در کتاب مقدس با اشاره عصا به آسمان، تگرگ می‌بارد و توفان به پا می‌شود (خروج: ۹). ۳- در جنگ بنی‌اسرائیل با عمالیق، موسی را درحالی که عصایش را در دست دارد و آن را به سمت آسمان گرفته است مشاهده می‌کنیم که هرگاه خستگی بر او غلبه می‌کند و دست‌هایش سست می‌گردد و پایین می‌آید، جنگ به ضرر آن‌هاست و هرگاه دست‌هایش را با قدرت بالا می‌برد، جنگ به سود بنی‌اسرائیل رقم می‌خورد (خروج: ۱۸). سه مورد یادشده، از اشاره عصا به هوا حادث می‌شوند؛ جایگزینی عنصر باد با هوا قابل درک است.

عصا و خاک: ۱- موسی عصا بر زمین می‌اندازد، ثعبانی مبین می‌گردد (شعرا: ۳۲؛ اعراف: ۱۰۷). ۲- عصا بر ریگ‌های «تل عین الشمس» می‌کوبد، انبوهی از شپشان برمی‌خیزند و شهر را محاصره می‌کنند (میبیدی، ۱۳۹۳: ۷۱۳/۳-۷۱۴). ۳- عصا بر سنگ بیابان می‌زند، دوازده چشمه جاری می‌شود. (بقره: ۶۰). ۴- زمانی که ملک‌الموت برای قبض روح موسی از وی اجازه می‌خواهد و موسی از سرنوشت کودکان کوچک خود مشوش و اندوهگین است، به او وحی می‌شود که عصایش را به زمین بکوبد. موسی عصا را به صخره‌ای می‌زند و سنگ می‌شکافد، کرمکی آشکار می‌شود که برگی سبز بر دهان دارد. به او گفته می‌شود چگونه خداوند روزی فرزندان تو را فراموش خواهد کرد، درحالی که حتی از روزی کرمکی در شکاف سنگی غافل نیست (همان: ۸۲/۳).

۵.۵. واسطه فیض

به گفته محمدبن‌ابراهیم نعمانی، شاگرد کلینی، امام صادق (ع) دوازده چشمه‌ای را که با برخورد عصا با سنگ می‌جوشد، به دوازده مرتبه معرفت و توحید، بندگی، اخلاص، راستی، تواضع، رضا، آرامش، توکل، یقین، خرد، دوستی و در آخر انس و خلوت تعبیر کرده‌اند (امامی، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۵۱)؛ بنابراین عصا را می‌توان، وسیله دستیابی به سرچشمه کمال معنی کرد. عامل انتقال فیوضات الهی به سالک و رهرو در نظر گرفت. سعدالدین حمویه نیز سنگ را دل‌های سخت، و عصا را علمی می‌داند که با برخورد آن، حکمت و معرفت جاری می‌گردد (حمویه ۱۳۶۳: ۱۲۶). روند جریان برکت الهی به اشیاء و موجودات از طریق عصا، در داستان «ابلق شدن گوسفندان موسی» مشهود است. هنگامی که بین شعیب و موسی مقرر می‌شود که در آن سال هرچه گوسفند ابلق زاییده شود از آن موسی باشد، به موسی وحی می‌شود که عصایش را در آبی که گوسفندان از آن می‌خورند بزند؛ جملگی بره‌ها ابلق می‌شوند (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۸۱/۳؛ میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۸۹/۷؛ رازی، ۱۳۶۹: ۱۲۵/۱۵-۱۲۶). این درحالی است که در اساطیر دینی، رنگ ابلق رنگی مقدس است و اسب‌های بهشتی نیز ابلق هستند (میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۸۹/۷). به نظر می‌رسد بن‌مایه این داستان از ابلق شدن گله‌های یعقوب با آغشته‌نمودن شاخه‌هایی از درختان در آب شرب گوسفندان گرفته شده باشد (پیدایش: ۳۰). گویا راهبان و کشیشان هم بنابر رسمی کهن، با آغشته‌نمودن آب شرب گوسفندان با شاخه‌ای از درخت پستانک، به بارگیری و شیردهی بیشتر گله کمک می‌کردند (استروس، ۱۳۷۷: ۱۳۸/۱). عصا در حکم رابطی میان منبع و سرچشمه فیض الهی، بر عناصر تأثیر می‌گذارد.

۵.۶. عصا عهد است

بعد از رهایی موسی و قومش و در اثنای سفر طولانی آن‌ها به موطن اولیه‌شان، اسرائیلیان تصمیم می‌گیرند برای از بین بردن قدرت موسی، عصا را از بین ببرند. هنگامی که او در خواب است عصا را می‌دزدند، می‌شکنند و مدفون می‌سازند. عصا به قدرت الهی به سخن می‌آید و موسی را به خود می‌خواند. زمین شکافته می‌شود و عصا درست می‌گردد (میبیدی، ۱۳۹۳: ۶۳۵/۵). عاملان این ماجرا مخالفین داخلی و منافقین هستند. با شکستن عصا، نقض پیمان و مخالفت خویش را با موسی اعلام نموده‌اند؛ در اینجا هیچ فعل و انفعالی از عصا دیده نمی‌شود. بازگشتن عصا

به حالت اولیه، دلیل بر غیر قابل شکسته شدن معاهده موسی و بنی اسرائیل است. «عصا شکستن» به مفهوم عهد شکستن است. در تورات، آنگاه که خداوند پیمان را برهم می‌زند، چنین می‌گوید: «پس گفتم شما را نخواهم چرانید. آنکه مردنی است بمیرد و آنکه هلاک شدنی است هلاک شود و باقی ماندگان گوشت یکدیگر را بخورند. پس عصای خود نعمه را گرفته، آن را شکستم تا عهدی را که با تمامی قوم‌ها بسته بودم، شکسته باشم» (زکریا: ۱۱). در تعبیر خواب هم، عصا شکستن از بین رفتن قدرت و سروری یک فرد است. در ایلید هم «قسم خوردن به عصا در زمره سوگندان مغالطه محسوب می‌شود» (پاراحمدی، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

نتیجه‌گیری

داستان‌ها و روایاتی که در قرآن و یا کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم، سیری منطقی دارند، اما در تفاسیر فارسی، عصا هم‌زاد و هم‌راه همیشگی شخص و نشان شناسایی فرد است. در این میان عصای موسی به‌طور خاص، ویژگی‌هایی دارد که آن را در زمره اشیاء منتخب آیینی قرار می‌دهد. عصای موسی نماد معرفت است. معرفتی که میراث بهشت است و آدم ابوالبشر، به هنگام هبوط آن را با خود به زمین می‌آورد. عصا، عهدی است که شاید بنابر همان معرفت و شناختی که آدمی آن را در عالم ذره، کسب کرده، میان خدا و بنده بسته شده است و شکسته نخواهد شد. اندازه و جنس آن منحصر به فرد است. تنها برخی از اولیاءالله آن را به امانت دریافت کرده‌اند. این تبیان و معرفت، زنجیروار در داستان‌های مختلف حضور دارد و از آدم به یوسف، شعیب و موسی می‌رسد و در دریای طبرستان برای «دابه‌الارض» به ودیعه گذاشته می‌شود. معرفت موسی هویت و روح دارد و انعطاف‌پذیر است. معرفتی که اگرچه در شب رسالت نمی‌تواند تکیه‌گاه او شود، ولی با افزایش این شناخت، به شعبانی مبین بدل می‌گردد و بر کفر تفوق می‌یابد. معرفت موسی به اندازه قامت و قیمت وجود اوست، نه بیشتر و نه کمتر. معیاری برای گزینش افراد و نشان بلوغ است. با شکوفا شدن و بارور گشتن، حکم تأیید الهی را به دست می‌آورد. نامحرمان را بر آن دستی نیست. خواب‌وبیدار بودن موسی، تغییری در ماهیت معجزه‌آسای آن ندارد، زیرا نیرویی محیط بر عالم امکان بر آن مسلط است و صاحب معجزه، خداوند سمیع و بصیر است. معرفت موسی برای کافران بلا و مصیبت به بار می‌آورد، ولی در تقابل با آن، رابط و انتقال‌دهنده برکات خداوندی به مؤمنان و سبب جوشش فیوضات الهی است. عصای موسی آتشی یزدانی است که به اراده خداوندی بر عناصر و ذرات هستی حکم فرماست. این شناخت، تمیزدهنده مؤمن از کافر است و از همین روی صاحب‌زمان را صاحب عصای موسی می‌دانند.

فهرست منابع و مآخذ:

کتابها

قرآن.

اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفورین طاهر بن محمد. (۱۳۷۴). تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

امامی، صابر. (۱۳۸۰). اساطیر در متون تفسیری فارسی. تهران: گنجینه فرهنگ.

اوستا. (۱۳۸۹). تصحیح جلیل دوستخواه. ج ۲، چ ۱۵، تهران: مروارید.

بهار، مهرداد. (۱۳۹۳). پژوهشی در اساطیر ایران. چ ۱۰، تهران: آگه.

بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۹). آثار الباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.

پورداود، ابراهیم. (۱۳۹۱). ویسپرد. چ ۲، تهران: اساطیر.

حمویه، سعدالدین. (۱۳۶۳). المصباح فی التصوف. تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولی.

دادگی، فرنیغ. (۱۳۷۸). بندهش. تصحیح مهرداد بهار، تهران: توس.

دلاشو، م. لوفر. (۱۳۸۶). زبان رمزی افسانه‌ها. ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.

رازی، ابوالفتوح. (۱۳۶۵-۱۳۸۱). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

راوندی، قطب‌الدین. (۱۳۶۸). قصص الانبیاء. تصحیح غلامرضا عرفانیان الیزدی، مشهد: آستان قدس رضوی.

سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. (۱۳۸۰). تفسیر التفاسیر. تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.

شوالیه، ژان و آلن گریبان. (۱۳۸۴). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی، ج ۲، چ ۲، تهران: جیحون.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۹۳). ترجمه تفسیر طبری. تصحیح حبیب یغمایی، چ ۳، انتشارات دانشگاه تهران.

کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۷۲). رؤیا حماسه اسطوره. تهران: مرکز.

مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۹۰). آفرینش و تاریخ. ترجمه و تعلیق: محمدرضا شفیعی کدکنی. ج ۱-۳، چ ۴، تهران: آگه.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۹۳). کشف الاسرار و عدة الابرار. تصحیح: علی‌اصغر حکمت. چ ۹، تهران: امیرکبیر.

هال، جیمز. (۱۳۸۷). فرهنگ انگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی، چ ۳، تهران: فرهنگ معاصر.

مقالات

کاوینی‌پویا، حمید و امیره امیری‌زند. (۱۳۹۷). «عصا و جایگاه نمادین آن در فرهنگ‌ها و باورهای باستانی». نشریه ادبیات تطبیقی، ش ۱۹، ۱۸۱-۲۰۲.

کتاب مقدس. ۲۰۱۶. انتشارات ایلام.

یاراحمدی، مریم و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی جایگاه و نقش عصا در اساطیر و ادیان». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۵۳، ۱۸۶-۱۵۵.

